

سقوط مینی بوس اتباع خارجی به دره



گروه حوادث/ سقوط یک دستگاه مینی بوس به دره ۱۵ متری در جاده کلاک مشهد در شرق دماوند، ۱۶ مسافر را راهی بیمارستان کرد.

سعید طاهری؛ رئیس جمعیت هلال احمر شهرستان دماوند در این باره گفت: ساعت ۸:۳۰ دقیقه صبح جمعه یک دستگاه مینی بوس به داخل دره‌ای در جاده روستایی کلاک مشهد شهرستان دماوند سقوط کرد که طی تماسی با ۱۱۲ تیم‌های امدادی و خدماتی به محل حادثه اعزام شدند.

وی با بیان اینکه دو تیم از هلال احمر دماوند و یک تیم از هلال احمر فیروزکوه و همچنین اورژانس، آتش‌نشانی شهرداری آبسرد و دیگر نیروهای امدادی و خدماتی به محل حادثه اعزام شدند، ادامه داد: این مینی‌بوس ۱۷ مسافر تبعه افغانستانی داشت که تعدادی از مصدومین در خودرو حبس شده بودند و توسط نیروها آزادسازی صورت گرفت. این مقام مسئول با بیان اینکه حال دونفر از مصدومان وخیم است، گفت: مصدومان حادثه توسط عوامل اورژانس ۱۱۵ از پایگاه‌های سرنبندان و آبسرد به مراکز درمانی و بیمارستان سوم شعبان منتقل شدند.

طاهری با اشاره به اینکه علت حادثه هنوز مشخص نیست، گفت: علت بیشتر اینگونه حوادث بی‌احتیاطی یا خواب‌آلودگی راننده یا نقص فنی خودرو است.

مرگ ۳ گردشگر در سانحه رانندگی

گروه حوادث/ خودروی حامل گردشگران تهرانی که از رودبار به سمت تهران بر می‌گشت به دره سقوط کرد و ۳ نفر جان باختند. مهدی احدی، رئیس جمعیت هلال احمر رودبار با اشاره به سقوط خودروی بلیزر حامل گردشگران تهرانی به دره، گفت: عصر پنجشنبه یک خودروی بلیزر حامل ۱۶ گردشگر تهرانی به دره‌ای در مسیر انحرافی روستای چمپل قدیم بخش خورگام شهرستان رودبار سقوط کرد ودراین حادثه ۲ نفر کشته و ۹ نفر مصدوم شدند. مصدومان با کمک اورژانس به بیمارستان‌های رستم آباد و رودبار اعزام شدند. وی ادامه داد: این گردشگران با تور گردشگری به مناطق خورگام رفته بودند که در مسیر بازگشت، خودرو بلیزر دچار حادثه شد.

دام سیاه سرراه دختر ۱۴ ساله

گروه حوادث/ دختر ۱۴ ساله که به‌دنبال عشق اینترنتی و سودای زندگی در اروپا، با یک پسر راهی مرز شده بود، خود را در دامی سیاه گرفتار دید. به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چندی قبل زوج جوانی که از شهرستان آمده بودند سراسیمه و ناراحت به دادسرای جنایی تهران رفتند و خبر ناپدید شدن دختر ۱۴ ساله خود را اعلام کردند.

زن جوان که بسیار آشفته بود، گفت: دخترم، نسترن خانه را به قصد خرید ترک کرد اما دیگر از او خبری نشد.به همه جا سرزدیم اما پیدایش نکردیم بعد فهمیدیم که طلاها و مدارکش هم ناپدید شده است.

در میان وسایلش به دفترچه خاطراتش رسیدیم که در آن از آشنایی با پسر جوانی و رفتن به تهران نوشته بود. به ترمینال رفتم و عکس دخترم را که نشان دادیم او را شناختند و گفتند چند روز قبل سوار بر یکی از اتوبوس‌ها به تهران رفته است.

■ **سرنخ در شهر مرزی**

بدین ترتیب مشخصات دختر نوجوان به پلیس استان‌ها ارسال شد و درحالی‌که تحقیقات در این رابطه ادامه داشت، خانواده نسترن بار دیگر به پلیس مراجعه کرده و مدعی شدند دخترشان با آنها تماس گرفته و گفته که در یکی از شهرهای مرزی است و پسری که با او فرار کرده فریبش داده و رهایش کرده است. بدین ترتیب دختر نوجوان با کمک پلیس به تهران منتقل شد.

■ **سودای خراج**

نسترن پس از انتقال به تهران در تحقیقات گفت: من عاشق پسری به‌نام فرهاد بودم اما خانواده‌ام با ازدواج من و فرهاد مخالفت کردند. می‌گفتند تو هنوز بچه‌ای و نباید به این زودی ازدواج کنی. بعد از مدتی در اینستاگرام با خسرو آشنا شدم و به او دل بستم، خسرو هم به من ابراز علاقه کرد اما چون می‌دانستم که خانواده‌ام موافق ازدواج من نیستند به پیشنهاد خسرو برای فرار پاسخ مثبت دادم، او گفت از ایران برویم و در خارج از کشور با هم زندگی کنیم.

از این پیشنهاد استقبال کردم اما برای رفتن به پول نیاز داشتیم. من پول زیادی نداشت‌ام اما مقداری طلا داشتم که می‌توانستیم از آنها استفاده کنیم.

■ **فیلم سیاه**

نسترن گفت: قرار شد با مدارک و طلاها فرار کنم و از ایران برویم. او گفت که به یکی از شهرهای مرزی می‌رویم و قاچاق‌بر ما را از کشور خارج می‌کند. بعد به یونان می‌رویم و مدتی در خانه خواهر خسرو می‌مانیم و از آنجا راهی آلمان شده و در کمپ می‌مانیم تا اقامتمان درست شود. حتی خسرو می‌گفت که در کمپ پول هم به ما می‌دهند. دختر نوجوان گفت: خسرو در آن شهر مرزی خانه‌ای موقتی اجاره کرد اما طلاهای مرا به بهانه اینکه باید پول قاچاق‌بر را بدهد، گرفت. بعد هم یک روز در خانه مرا مورد آزار و اذیت قرار داد و گفت اگر حرفی در این مورد بزنم فیلم و عکس‌هایی را که از من گرفته در فضای مجازی منتشر می‌کند. دو روز بعد از این ماجرا هم رفت و دیگر خبری از او نشد، درمانده و بی‌پول شده بودم به ناچار با خانواده‌ام تماس گرفتم و درخواست کمک کردم.

با اظهارات دختر نوجوان، دستور بازداشت خسرو صادر شد. خیلی زود پسر ۲۰ ساله بازداشت و در تحقیقات به جرم خود اعتراف کرد.

■ **شنبه ۳۱ خرداد ۱۳۹۹**

■ **سال بیست و ششم**

■ **شماره ۷۳۷۲**

تاجران طلا در دام مرد کلاهبردار

گروه حوادث/ مرد شباه که با ترفندی خاص از تاجران طلا کلاهبرداری می‌کرد در حالی به حبس و رد مال محکوم شده که قصد داشت با تغییر چهره از کشور فرار کند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به اتهامات این مرد کلاهبردار با شکایت یک تاجر طلا آغاز شد. وی به پلیس گفت: من واردکننده طلا هستم. حدود دو سال قبل با امید آشنا شدم و چند بار با هم به سفر خارجی رفتم. آخرین بار در سفر به ترکیه من مقدار زیادی طلا وارد کردم اما با یکی از دوستان مشترکمان بر سر خرید و فروش طلا مشکل مالی پیدا کردم. امید که در جریان این اختلاف پول پیشنهاد داد بین ما وساطت و حل اختلاف کند من هم قبول کردم از آنجا که مقداری طلای دوستم پیش من بود و من هم تعدادی چک و سفته دست او داشتم امید طلاها را که دو کیلوگرم و ۲۵۰ سکه بود از زده بود.

من گرفت و قول داد آن را به دوست مشترکمان می‌دهد و در مقابل چک و سفته‌هایم را پس می‌گیرد. تاجر جوان گفت: امید پس از گرفتن طلا و سکه‌ها رفت و گوشی موبایلش هم خاموش شد. بعد در تلگرام پیغام داد که از ایران خارج شده است. آنجا بود که فهمیدم سرم کلاه گذاشته است.

پس از این شکایت پلیس به ردیابی متهم پرداخت و سرانجام دو سال بعد او را به محض اینکه از کشور ترکیه وارد ایران شد بازداشت کرد. اما در ادامه تحقیقات پلیسی روشن شد وی با همین روش از چند مرد ثروتمند دیگر نیز کلاهبرداری کرده است. او با تاجرهای طلا، دلار و عتیقه، طرح دوستی می‌ریخت و سپس از آنها کلاهبرداری می‌کرد همچنین مشخص شد او قبلاً بازداشت اما با قرار وثیقه آزاد شده و دست به کلاهبرداری‌های مشابه زده بود.

■ صدایی آشنا

زن جوان با اینکه ترسیده بود و هنوز در شوک سارقان نقاب دار بود، سرنخی را در اختیار کارآگاهان اداره یکم پلیس آگاهی پایتخت قرار داد و گفت: صدای یکی از سارقان آشنا بود. فکر می‌کنم صدای پسر همسایه‌مان بود. ما با او اختلاف شدید داریم. از زمانی که به این ساختمان آمدم

گروه حوادث/ ۲ پسر بچه در یکی از روستاهای شهرستان تربت جام به‌دلیل بی‌توجهی والدین‌شان در تئورستنی افتاده و جان‌خود را از دست دادند. علی لطفی رئیس اداره اورژانس پیش بیمارستانی دانشکده علوم پزشکی نسترن پس از انتقال به تهران در تحقیقات گفت: من عاشق پسری به‌نام فرهاد بودم اما خانواده‌ام با ازدواج من و فرهاد مخالفت کردند. می‌گفتند تو هنوز بچه‌ای و نباید به این زودی ازدواج کنی. بعد از مدتی در اینستاگرام با خسرو آشنا شدم و به او دل بستم، خسرو هم به من ابراز علاقه کرد اما چون می‌دانستم که خانواده‌ام موافق ازدواج من نیستند به پیشنهاد خسرو برای فرار پاسخ مثبت دادم، او گفت از ایران برویم و در خارج از کشور با هم زندگی کنیم.

از این پیشنهاد استقبال کردم اما برای رفتن به پول نیاز داشتیم. من پول زیادی نداشت‌ام اما مقداری طلا داشتم که می‌توانستیم از آنها استفاده کنیم.

گروه حوادث/ دو کودک خردسال که به‌دلیل سهل‌انگاری والدین‌شان در خودرو گرفتار شده بودند بر اثر گرمای هوا و خفگی جان باختند. به گزارش پلیس، این حادثه روز چهارشنبه در یکی از روستاهای شهرستان هرسین در حالی اتفاق افتاد که دو کودک ۳ و ۴ ساله در حال بازی داخل خودروی سمند بودند. سردار محمدرضا آمویی- معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان - در تشریح این خبر گفت: پس از اطلاع پلیس ۱۱۰ مبنی بر مرگ ۲ کودک خردسال در یکی از روستاهای

سرقت مسلحانه برای انتقام از همسایه

با این همسایه‌مان مشکل داشتیم. کولر خانه‌شان آب می‌داد ولی توجه نمی‌کرد. سر و صداهایشان ما را اذیت می‌کرد و حتی از آنها شکایت هم کرده بودیم.

■ **بازداشت پسر همسایه**

با شکایت زن جوان و اطلاعاتی که او در اختیار کارآگاهان اداره یکم پلیس آگاهی پایتخت قرار داده بود، به دستور بازپرس شعبه دوم دادسرای ویژه سرقت، کارآگاهان راهی خانه پسر همسایه شدند. اما بررسی‌ها نشان می‌داد سامان از زمان سرقت مسلحانه، متواری شده است. فرار پسر جوان، مهر تأییدی بود در دست داشتن او در این سرقت مسلحانه و بدین ترتیب بررسی‌ها برای دستگیری او ادامه داشت تا اینکه متهم جوان در خانه یکی از دوستانش بازداشت شد. سامان ابتدا منکر سرقت بود اما مدارک پلیسی باعث شد تا راز سرقت مسلحانه را برملا کند. با اعتراف او به سرقت، بازپرس بهشتی دستور بازداشت ۴ همدست او را نیز صادر کرد.

گفت‌وگو با متهم

■ چه شد که به فکر سرقت از خانه همسایه افتادی؟

آنها خیلی ما را اذیت می‌کردند هر روز به بهانه‌ای مزاحم من و خانواده‌ام بودند و حتی از ما شکایت کرده بودند. تا اینکه یکی از دوستانم پیشنهاد سرقت مسلحانه را مطرح کرد.

دو کودک در تنور داغ سوختند

گروه حوادث/ ۲ پسر بچه در یکی از روستاهای شهرستان تربت جام به‌دلیل بی‌توجهی والدین‌شان در تئورستنی افتاده و جان‌خود را از دست دادند.

علی لطفی رئیس اداره اورژانس پیش بیمارستانی دانشکده علوم پزشکی

دختر و پسر خردسال قربانی سهل انگاری والدین

شهرستان هرسین و حضور مأموران در محل مشخص شد، یک دختر ۳ ساله به‌نام «دلنیا» و یک پسر ۴ ساله به‌نام «حسین» که دخترخاله و پسرخاله بودند پس از غفلت والدین خود، سوار بر یک دستگاه خودروی سواری سمند متعلق به خانواده یکی از آنها شدند اما این دختر و پسر خردسال پس از حضور در داخل خودرو که زیر تابش آفتاب هم قرار داشته است پس از دقایقی بازی کردن زمانی که قصد خروج از خودرو را داشتند به علت بسته شدن درها قادر به باز کردن در



■ **کلید را از کجا آوردی؟**

کاملاً اتفاقی. یک روز مرد همسایه از خانه خارج شد یک دستش کیش بود و با دست دیگرش تلفن همراهش را گرفته بود، نزدیک خودرواش که شد، می‌خواست سوییچ خودرواش را از جیب بیرون بیاورد که کلید خانه‌اش افتاد و متوجه نشد و رفت من هم آن را برداشتم.

■ **همدستان چه کسانی بودند؟**

یکی از آنها که از اقوامان بود و سه نفر دیگر را هم برای این کار اجیر کردیم.

■ **با طلاها چه کردی؟**

من نیاز مالی نداشتم و طلاها دست همدستانم است. فقط می‌خواستم همسایه‌هایمان را بترسانم تا دست از کارهایش بردارد.

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir



جزئیات تازه از قتل ریحانه به دست پدرش

گروه حوادث/ مرد میانسال که در یک درگیری لفظی دخترش را در کرمان به قتل رسانده بود در بازجویی‌ها مدعی شد که یک لحظه عصبانیت عامل این حادثه بوده است.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، این جنایت روز دوشنبه ۲۶ خردادماه سال جاری در کرمان رخ داد. آن روز ریحانه با پدرش در خانه تنها بود اما بعد از یک درگیری لفظی مرد میانسال عصبانی شد و با پرت کردن میله آهنی و برخورد به سر دخترش باعث مرگ وی شد. کوروش احمد یوسفی معاون اجتماعی پلیس استان کرمان در گفت‌وگو با خبرنگار حوادث «ایران» درباره جزئیات این پرونده عنوان کرد: این قتل به‌خاطر یک لحظه عصبانیت پدر حادث شده است این مرد که صافکار است میله آهنی را به سمت دخترش پرتاب می‌کند که به سر ریحانه می‌خورد. پدر با دیدن خونریزی سر ریحانه از شدت ترس و اضطراب بیهوش شده و پس از ۱۵ دقیقه که به هوش می‌آید متوجه شده که دخترش فوت کرده است.

وی در پاسخ به این سؤال که آیا بحث مشکلات اخلاقی مطرح بوده گفت: تمام مسائلی که در این چند روز در برخی رسانه‌ها و فضای مجازی منتشر شده کذب محض است. در این ماجرا هیچگونه طرح و نقشه قبلی برای قتل از سوی پدر ریحانه مطرح نبوده و بحث و مجادله و عصبانیت لحظه‌ای پدر موجب رخ دادن این قتل شده است. وی در مورد اینکه چرا پدر ریحانه او را به مرکز درمانی نبرده است افزود: متهم به قتل پس از پرتاب میله از شوک اتفاقی که افتاده بیهوش شده و پس از آن متوجه می‌شود که دخترش از دست رفته است و در همان وضعیت روحی که داشته به یکباره تصمیم گرفته دخترش را به منطقه‌ای ببرد و در همانجا رها کند با این حال تحقیقات پلیس برای روشن شدن زوایای پنهان احتمالی این پرونده ادامه دارد. معاون اجتماعی نیروی انتظامی استان کرمان اظهار داشت: مقتول متولد سال ۲۴ بوده و بتازگی از دانشگاه فارغ‌التحصیل شده بود.

■ **هتدار به رسانه‌های منتشرکننده اخبار کذب**

در همین رابطه دادخدا سالاری دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان کرمان گفت: به‌دنبال مشاجرات خانوادگی بین پدر و دختر یک خانواده، دختر خانواده به دست پدرش که بالای ۵۰ سال سن داشته، به قتل رسیده است اما برخی رسانه‌ها که اغراض خاص خود را دنبال می‌کنند مسائلی را به دروغ به حادثه کشته شدن دختر جوان کرمانی به دست پدرش افزوده‌اند که در این خصوص به این رسانه‌ها هشدار داده می‌شود.

وی با بیان اینکه قاتل در بازجویی‌های خود تأکید داشته که قصدی برای کشتن دخترش نداشته است تصریح کرد: این پدر قصدش از پرتاب میله را تنها ترساندن فرزندش عنوان کرده است و به‌هیچ عنوان مسائل ناموسی و انتقام‌گیری مطرح نبوده و سایر عناوین مطرح شده در فضای مجازی درباره این حادثه کذب است.

بنز لاکچری در تهران توقیف شد



گروه حوادث/ همزمان با توقیف یک خودروی بنز ۱۰ میلیارد تومانی در بلوار اندرزگوی تهران تحقیقات در این باره آغاز شد.

سرهنگ محمد کالوسی سرکلانتر یکم پلیس پیشگیری تهران، در این باره گفت: در اجرای طرح مقابله با مزاحمت‌های خیابانی و دور دور، مأموران سرکلانتری یکم مستقر در بلوار اندرزگو در شامگاه بیست و پنجم خرداد به یک دستگاه مرسدس بنز فاقد پلاک جلو برخورد و برای بررسی موضوع دستور توقف خودرو را اعلام کردند. وی با اشاره به اینکه راننده خودرو سواری فاقد مدارک مالکیت خودرو بود، گفت: راننده خودرو به همراه خودرو توقیفی به سرکلانتر یکم منتقل و مشخص شد که پلاک انتظامی نصب شده به عقب خودرو مربوط به خودروی دیگری است که راننده خودرو روی این خودرو نصب کرده است. این مقام انتظامی با اشاره به اینکه در تحقیقات تکمیلی به‌دست آمد که خودرو قاچاق بوده و فاقد مجوزهای گمرکی است، تصریح کرد: کارشناسان ارزش این خودرو را ۱۰ میلیارد تومان برآورد کرده و آن را جزو خاص‌ترین خودروهای ایران معرفی کردند.